

خلیج فارس و رویکرد سفرنامه‌های خارجی عهد قاجار

عبدالله متولی^۱

ساره مشهدی میقانی^۲

چکیده

نقش خلیج فارس در تعاملات جهانی موجب شده است تا همیشه به عنوان نقطه‌ای کانونی توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای را جلب کند. نفوذ این قدرت‌ها در این منطقه، از قرن شانزدهم میلادی به سبب اهمیت تجاری خلیج فارس آغاز شد و بعدها به خاطر اهمیت سیاسی- نظامی آن، بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در دوران قاجاریه به واسطه افزایش چشمگیر رفت و آمد بیگانگان به ایران، بر شمار سفرنامه‌های آنها نیز افزوده شد و مطالعه و بررسی سفرنامه‌ها نقشی مهم در شناخت جایگاه و اهمیت منطقه خلیج فارس دارد. آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، بررسی کمی و کیفی رویکرد ۴۷ سفرنامه خارجی است که نویسندگان آنها در دوره قاجاریه، طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۲۱۱ق. به ایران سفر کرده‌اند و سفرنامه‌های آنها به فارسی ترجمه شده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی میزان و نوع تمرکز این سفرنامه‌ها بر منطقه خلیج فارس است و اینکه مسائل مربوط به خلیج فارس را چگونه پوشش داده‌اند؟

واژگان کلیدی:

عهد قاجار، خلیج فارس، سفرنامه‌های خارجی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۸/۲۹

^۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اراک A.motevaly@gmail.com
^۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی (نویسنده مسئول) asemaneshab65@yahoo.com

نفوذ در خلیج فارس از قرن شانزدهم میلادی با اهداف تجاری آغاز شد و با تحولات صنعتی و اقتصادی در جهان و ظهور استعمار در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی به نفوذ سیاسی و نظامی در منطقه تبدیل یافت. کشورهای مختلفی از سراسر جهان، برای تأمین مقاصد منفعت‌طلبانه خود به خلیج فارس چشم دوختند. از قرن شانزدهم میلادی، کمپانی‌های هند شرقی انگلیس^۱، هلند^۲، فرانسه^۳ و نیز دیگران در پی کسب امتیازات در خلیج فارس به رقابت با یکدیگر پرداختند. کنسولگری‌های این کشورها نیز در این منطقه بسیار فعال بوده و برای دولت متبوع خود در پی کسب امتیاز و نفوذ بیشتر بودند. در سال ۱۸۸۹م. کنسولگری فرانسه در بوشهر تأسیس شد که تجهیزات تلگراف داشت و از اهداف عمده‌اش، توسعه نفوذ آن کشور در منطقه به ویژه در رقابت با انگلیس بود (اسدی، ۱۳۸۵: ۷۸). یکی از نخستین اقدامات روس‌ها نیز برای نفوذ بیشتر در خلیج فارس، تأسیس کنسولگری بصره در سال ۱۸۸۱م. بود (همان: ۷۹). انگلیس هم از طریق کنسولگری-های خود در منطقه خلیج فارس، در پی کسب نفوذ و امتیاز بود. برای مثال، پس از تأسیس شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۰۹م. سرپرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر به محرمه (خرمشهر) رفت تا از طرف شرکت با شیخ خزعل در باره احداث خط لوله از مسجد سلیمان به آبادان و تأسیس پالایشگاه در آنجا مذاکره کند و پس از مذاکرات مفصل و ماهرانه موفق شد با شیخ خزعل قراردادی در این زمینه ببندد (همان: ۱۰۳).

رقابت میان دولت‌های خارجی و کنسولگری‌های آنها در خلیج فارس به اشکال گوناگون مانند استفاده از مأموران شناسایی ظاهر شد. در واقع، نفوذ آنها در این منطقه از طریق مأموران صورت می‌گرفت. مأمورانی که برآوردهای اطلاعاتی را بی‌کم و کاست به دولت‌های متبوع خود گزارش می‌کردند. بخشی از این گزارش‌ها نمی‌توانست در یک سفر تهیه شود، بلکه از دوره صفویه، دفاتر بازرگانی کمپانی هند شرقی بریتانیا در بندرعباس، بصره و بعدها در بوشهر تأسیس شد که گفته می‌شود گزارش‌های روزانه هم تهیه می‌کردند؛ چنانکه در این زمینه نیز اظهارنظرهای جالبی از آنها در دست است. این نظرات که به صورت موجز و یا مفصل در سفرنامه‌های خارجی‌ان انعکاس یافته‌اند، در اتخاذ نوع عملکرد دولت‌ها در خلیج فارس بسیار مؤثر بودند. اوج حضور این مأموران در خلیج فارس، که گاه با عنوان "مستشرق" از آنها یاد می‌شود، با سلطنت سلسله قاجاریه

۱. در اواخر سال ۱۶۰۰م. کمپانی هند شرقی انگلیس تأسیس شد و مقر آن بندر سورات در غرب هندوستان و مشرف به دریای عمان و خلیج فارس بود. در سال ۱۶۱۹م. شعبه این کمپانی در بندر جاسک گشوده شد (اسدی، ۱۳۸۵: ۹۱-۹۰).

۲. در سال ۱۶۰۲م. بنا به دستور دولت هلند شرکت‌های مختلفی که برای تجارت با هند شرقی تأسیس شده بودند، ادغام شدند و کمپانی هند شرقی هلند را تأسیس کردند. شعبه‌ای از این کمپانی در بندرعباس (۱۰۳۲ق/۱۶۲۳م.) و بعد در بصره مستقر شد (اسدی، ۱۳۸۵: ۷۰).

۳. فرانسه در سال ۱۶۶۴م. برای رقابت با انگلستان و هلند در زمینه تجارت با مشرق زمین، کمپانی هند شرقی فرانسه را تأسیس کرد تا توسعه نفوذ تجاری و سیاسی فرانسه در شرق را پیگیری کند (اسدی، ۱۳۸۵: ۷۵). برای مطالعات بیشتر رجوع کنید به: خلیج فارس و مسائل آن نوشته بیژن اسدی، ۱۳۸۵.

تقارن داشت. در دوران قاجار فوجی از مسافران خارجی در کسوت‌های گوناگون با مقاصد مختلف به این منطقه پا گذاشتند و گزارش‌هایی از سفر خود را به طرق گوناگون در مجلاتی مانند رویال جغرافی، اسکاتیش مگزین و نشریاتی چون رسوم کهن روسی، آرشیو روسی و روزنامه‌ها و یا کتاب‌های مستقل منتشر کردند. گزارش‌هایی که با جریانی به نام شرق‌گرایی و شرق‌شناسی پیوندی ناگسستنی دارند. به نوشته ادوارد سعید که در سال ۱۹۷۹م. یکی از آثار کلاسیک در باب شرق‌گرایی از آن اوست: «شرق‌گرایی، نهادی حقوقی برای رویارویی با شرق، از راه اظهار نظرها، توصیف و آموزش مردم شرق و در نهایت، حکمرانی بر آن است. در یک کلام می‌توان گفت که شرق‌گرایی، الگویی غربی برای تغییر ساختاری شرق و سلطه یافتن بر آن بود» (آندری یوا، ۱۳۸۸: ۱۲). در نظریه شرق‌گرایی، سفرنامه‌نویسی به عنوان یکی از انواع گفتمان شرق‌گرا شناخته شده است. مسافران غربی "دیگری" را موجودی حاشیه‌ای و فرعی تصویر می‌کنند. سفر به یکی از ابزارهای این گفتمان تبدیل گردید و سفرنامه‌نویسی به عنوان یکی از شاخه‌های دانش بنا نهاده شد. سفرنامه‌نویسان کمک کردند تا مستعمره‌ها یا نیمه‌مستعمره‌ها وارد نظام جهانی شوند و به سادگی و از راه توصیف "شرقی‌ها" آنها را به جهان شناخته شده‌ای افزودند که مرکز آن اروپا بود. در اکثر سفرنامه‌ها استعمار توجیه شده است؛ ایرانی‌ها را نامتمدن نشان داده و دخالت بیگانگان در ایران را همچون لطفی به استعمارشدگان قلمداد کرده‌اند (همان: ۱۳).

در این پژوهش، گزارش‌ها و مشاهدات سفرنامه‌نویسان را در باب خلیج فارس، در ۴۷ سفرنامه بررسی می‌کنیم تا دریابیم در پس سخنان، مشاهدات و ارزیابی آنها چه تفکری نهفته بود. در مقاله حاضر، با تکیه بر سفرنامه‌های ترجمه شده، ضمن توجه به فراوانی آنها به صورت تفکیکی، با لحاظ برخی ارقام و نمودار، چارچوب‌ها، میزان توجه و سبب تمرکز سفرنامه‌نویسان خارجی دوران قاجاریه طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۲۱۱ق. / ۱۹۲۵-۱۷۹۵م. بر خلیج فارس در معرض بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. علی‌رغم تعدد و تنوع سفرنامه‌نویسی در دوره قاجاریه، نقطه اتکاء و تمرکز این پژوهش، بررسی رویکرد ۴۷ سفرنامه خارجی است؛ سفرنامه‌های نویسندگانی که دولت‌های آنها نقش پررنگ‌تر و پراهمیت‌تری در این منطقه طی دوران قاجاریه ایفاء کرده‌اند: انگلیس، فرانسه، روسیه، آلمان و آمریکا.^۱

نگرشی بر چارچوب‌های کلی سفرنامه‌های خارجی عهد قاجار

برای تحلیل دقیق محتوای سفرنامه‌ها، آشنایی با برخی نکات مرتبط با آنها لازم است. به همین سبب، سفرنامه‌های خارجی عهد قاجاریه، در چهار دسته بررسی شد: ۱. شاخصه‌های آماری و نموداری: بر اساس میزان دسترسی به منابع، ۴۷ سفرنامه با ملیت‌های مختلف طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۲۱۱ق. ارزیابی شده‌اند.

^۱. یک سفرنامه مجارستانی نیز بررسی شده، زیرا نویسنده‌اش آن را کاملاً در موضع حمایت از انگلیس نوشته است.

جدول‌های شماره ۳-۱ دربردارنده کل سفرنامه‌های بررسی شده است و به ترتیب، سال‌های ورود نویسندگان به ایران در دوران هر یک از شاهان قاجار و مدت اقامت آنها را نشان می‌دهند.

جدول شماره ۱- سفرنامه‌های بررسی شده طی سال‌های ۱۹۲۵-۱۷۹۵م.

ناصرالدین شاه	ناصرالدین شاه	محمد شاه	آقا محمدخان و فتحعلی شاه	آقا محمدخان و فتحعلی شاه
وامبری ۱۸۶۲-۱۸۶۱م. ویلز ۱۸۸۱-۱۸۶۶م. پولاک ۱۸۸۲م. اورسل ۱۸۸۲م. بنجامین ۱۸۸۳-۱۸۸۲م. موزر (سوئسی، تبعه روس) ۱۸۸۳م.	چریکف ۱۸۴۲- ۱۸۴۸م. شیل ۱۸۵۳-۱۸۴۹م. پولاک ۱۸۶۰-۱۸۵۱م. بیت ۱۸۵۶-۱۸۵۴م. دوگوبینو، ۱۸۵۵م. ملکونوف ۱۸۶۰م.	راولینسون ۱۸۳۹- ۱۸۳۳م. فیودورکورف ۱۸۳۴-۱۸۳۵م. دوسرسی ۱۸۳۹ لایارد ۱۸۴۲-۱۸۳۹م.	دروویل ۱۸۱۳-۱۸۱۲م. دکوتزیوئه ۱۸۱۷م. فریزر ۱۸۲۲-۱۸۲۱م. سولتیکف ۱۸۲۸م. بارنز ۱۸۳۳-۱۸۳۱م. فریزر ۱۸۳۴-۱۸۳۳م.	اولیویه ۱۷۹۵-۱۷۹۴م. هالینگبری ۱۸۰۱-۱۷۹۹م. مالکوم ۱۸۰۰م. ژوبر ۱۸۰۶-۱۸۰۵م. گاردان ۱۸۰۷م. جونز ۱۸۰۷م.

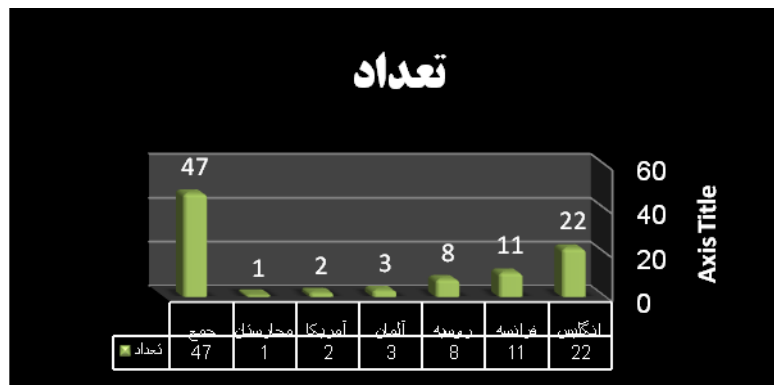
جدول ماره ۲- ادامه جدول ۱

ناصرالدین شاه	ناصرالدین شاه	مظفرالدین شاه	مظفرالدین شاه	محمدعلی شاه
دیولافوا ۱۸۸۴م. بابن و هوسه ۱۸۸۵م. براون ۱۸۸۷-۱۸۸۶م. کرزن ۱۸۸۹م.	هاردینگ ۱۹۰۵- ۱۹۰۰م. لوتی ۱۹۰۱م. سایکس ۱۹۱۳-۱۹۰۱م. گروته ۱۹۰۷م.	کاساکوفسکی ۱۸۹۶ - ۱۹۰۳م. اسپاروی ۱۸۹۷م. سایکس ۱۹۰۱-۱۸۹۷م. کرزن ۱۹۰۵ (۱۹۰۳)- ۱۸۹۸م.	فووریه ۱۸۹۳-۱۸۹۱م. ویشارد ۱۸۹۱م. سایکس ۱۸۹۴-۱۸۹۳م. سایکس ۱۸۹۷-۱۸۹۴م.	ویلسن ۱۹۰۷-۱۹۱۱م. کلودانه ۱۹۱۰-۱۹۰۹م.

جدول شماره ۳- ادامه جدول ۲

احمد شاه					
دسترویل ۱۹۱۸ م. اسکرین ۱۹۲۱-۱۹۱۹ م. یقیکان ۱۹۲۱ م. استارک ۱۹۳۱ و ۱۹۲۷ م. نوردن ۱۹۲۸ م.			ویلسن ۱۹۱۲-۱۹۱۴ م. نیدرمایر ۱۹۱۶-۱۹۱۵ م. بلوشر ۱۹۱۶ م. سایکس ۱۹۱۶-۱۹۱۸ م.		
جمع سفرنامه‌ها	آمریکا	آلمان	روسیه	فرانسه	انگلیس
۴۶+ وامبری مجارستانی=۴۷	۲	۳	۸	۱۱	۲۲

نمودار شماره ۱



سفرنامه‌های بررسی شده در این پژوهش نیز به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: گروه اول، سفرنامه‌هایی که به صورت جزئی یا با تفصیل به خلیج فارس پرداخته‌اند. جدول ۴ به این نوع سفرنامه‌ها پرداخته و بر اساس کشورهای که بیشترین شمار سفرنامه را در موضوع خلیج فارس داشته‌اند، شکل گرفته است. این جدول شامل ترتیب زمانی ورود سیاحان، شمار سفرنامه‌های هر کشور و کل سفرنامه‌هایی است که به خلیج فارس پرداخته‌اند.

جدول شماره ۴- سفرنامه‌هایی که به صورت جزئی و یا به تفصیل به خلیج فارس پرداخته‌اند.

انگلیس	انگلیس	انگلیس	فرانسه	روسیه	آلمان	آمریکا
هالینگبری ۱۸۰۱-	ییت ۱۸۵۶-	کرزن ۱۹۰۵ -	اولیویه ۱۷۹۵	دکوتزبوئه	گروته	بنجامین
۱۷۹۹م.	۱۸۵۴م.	۱۸۹۸م.	۱۷۹۴م.	۱۸۱۷م.	۱۹۰۷م.	۱۸۸۳-
مالکوم ۱۸۰۰م.	پولاک ۱۸۸۲م.	هاردینگ ۱۹۰۵-	ژوبر	چریکف	نیدرمایر	۱۸۸۲م.
جونز ۱۸۰۷م.	بابن وهوسه	۱۹۰۰م.	۱۸۰۶-۱۸۰۵م.	۱۸۴۲-۸۴۸م.	۱۹۱۶-	ویشارد
بارنز ۱۸۳۳-۱۸۳۱م.	۱۸۸۵م.	سایکس ۱۹۱۳-	گاردان ۱۸۰۷م.	موزر ۱۸۸۳ م.	۱۹۱۵م.	۱۸۹۱م.
لایارد ۱۸۴۲-۱۸۳۹م.	براون ۱۸۸۷-	۱۹۰۱م.	دروویل ۱۸۱۳-	کاساکوفسکی	لوشر ۱۹۱۶م.	
شیل ۱۸۵۳-۱۸۴۹م.	۱۸۸۶م.	ویلسن ۱۹۰۷-	۸۱۲م.	۱۸۹۶ -		
پولاک ۱۸۶۰-۱۸۵۱م.	کرزن ۱۸۸۹م.	۱۹۱۱م/۱۹۱۴-	دوگوبینو	۱۹۰۳م.		
سایکس ۱۸۹۴-	سایکس ۱۸۹۷-	۱۹۰۷م.	۱۸۵۵م.			
۱۸۹۳م.	۱۸۹۴م.	ویلسن	اورسل ۱۸۸۲م.			
	اسپاروی ۱۸۹۷م.	۱۹۱۴-۱۹۱۲م.	دیولافوا ۱۸۸۴م.			
	سایکس ۱۹۰۱-	سایکس ۱۹۱۸-	لوتی ۱۹۰۱م.			
	۱۸۹۷م.	۱۹۱۶م.				
		اسکرین ۱۹۲۱-				
		۱۹۱۹م.				
		نوردن ۱۹۲۸م.				

نمودار شماره ۲



دومین نوع، شامل سفرنامه‌هایی است که اشاره‌ای به خلیج فارس در آنها نیست. جدول شماره ۵ این نوع سفرنامه‌ها را بر اساس حضور نویسندگان سفرنامه‌ها در ایران زمان قاجار و ملیت آنان نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵- سفرنامه‌هایی که به خلیج فارس اشاره کرده‌اند.

آقامحمدخان و فتحعلی شاه	محمد شاه	ناصرالدین شاه	محمدعلی شاه	احمد شاه
فریزر ۱۸۲۲-۱۸۲۱ م. سولتیکف ۱۸۲۸ م. فریزر ۱۸۳۳-۱۸۳۴	راولینسون ۱۸۳۹-۱۸۳۳ م. فیودور کورف ۱۸۳۴-۱۸۳۵ م. دوسرسی، ۱۸۳۹ م.	ملکونوف ۱۸۶۰ م. وامبری ۱۸۶۲-۱۸۶۱ م. ویلز ۱۸۸۱-۱۸۶۶ م. فوریه ۱۸۹۳-۱۸۹۱ م.	شوپفر ۱۹۱۰-۱۹۰۹ م.	دنسترویل ۱۹۱۸ م. یقیکان ۱۹۲۱ م. استارک ۱۹۳۱ و ۱۹۲۷ م.
انگلیس	فرانسه	روسیه		
آقا محمدخان و فتحعلی شاه: ۱- فریزر محمدشاه: ۲- راولینسون ناصرالدین شاه: ۳- ویلز احمد شاه: ۴- دنسترویل ۵- استارک	محمدشاه: ۱- دوسرسی ناصرالدین شاه: ۲- فوریه محمدعلی شاه: ۳- کلودانه	آقامحمد و فتحعلی شاه: ۱- سولتیکف محمدشاه: ۲- فیودور کورف ناصرالدین شاه: ۳- ملکونوف احمد شاه ۴- یقیکان		
انگلیس	فرانسه	روسیه	جمع	
۵	۳	۴	۱۲ + وامبری مجاری = ۱۳ نفر	

۲. موضوع و محتوا: موضوعات سفرنامه‌ها را با محوریت خلیج فارس در بررسی موضوع محور می‌توان در سه الگوی کلی طبقه‌بندی کرد: الف: چشم‌انداز اجمالی و یا توصیف دقیق و جزء به جزء موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های طبیعی نقاط گوناگون خلیج فارس و ساکنان آن، اهمیت حضور نیروی دریایی و مشکلات فقدان آن، مسائل تجاری- اقتصادی (به ویژه خطوط مواصلاتی) و انواع محصولات و حیوانات خلیج فارس، ب: توجه به حضور قدرت‌های جهانی چون انگلیس، فرانسه، روس و رقابت‌های استعماری آنان در خلیج فارس، ج: سومین موضوع، مسأله نفت است. حضور طلای سیاه رنگ از قرن بیستم میلادی در خلیج فارس سبب جدال بیشتر دولت‌های استعماری در عرصه سیاست و اقتصاد جهانی شد.

۳. خصوصیات نویسندگان: برای نویسندگان سفرنامه‌ها می‌توان به طور کلی خصایصی را برشمرد:

- **نخبگان متخصص:** اکثر قریب به اتفاق نویسندگان این سفرنامه‌ها افرادی نخبه و متخصص در امور شرق و خاورمیانه بوده‌اند. اغلب تحصیلکردگان آکادمیک، با امور سیاسی- نظامی، در امور شرق، مانند زبان‌های شرقی (به ویژه زبان و ادبیات فارسی)، فرهنگ و ادیان مردم مشرق به ویژه دین اسلام آشنایی عمیق داشته‌اند.

- ظاهرسازی: همواره در کسوت‌های مبدل با عناوین ساختگی چون باستان‌شناس، مهندس، درویش و سفیر وارد ایران و خلیج فارس شده‌اند.
- نژادپرستی: عقاید نژادپرستانه و تحقیرآمیز نسبت به مردم ایران، در کنار حمایت مستحکم از سیاست‌های استعماری و منافع دولت‌های خود از ویژگی‌های آنان است.
- آشنایی با فنون مختلف مورد نیاز: در فنون مختلفی چون نقاشی، نقشه‌برداری، امور جغرافیایی-تاریخی، گیاه‌شناسی، فن گفت‌وگو و ارتباط با اقشار مختلف تبحر داشته‌اند. کنجکاو و علاقه‌مندی به شناخت امور شرق، کم‌گویی و سنجیده‌گویی و زیرکی به ویژه میان نویسندگان انگلیسی وجود داشت.
- سابقه فعالیت‌های استعماری و سیاسی: اغلب نویسندگان این سفرنامه‌ها نیز در دولت خود دارای مشاغل مهم سیاسی و سوابق فعالیت‌های استعماری در شرق بوده‌اند.

۴. تأثیر پدیده استعمار در اهداف تألیفی سفرنامه‌ها: دوران قاجار اوج فعالیت‌های استعماری غرب

در منطقه شرق است. جریان استعمارگر در این دوره، سازمان‌یافته‌تر و عالمانه‌تر شد و شرق‌شناسی بین‌المللی همراه با تشکل‌های مطالعات شرق‌شناسی در اغلب دولت‌های اروپایی به وجود آمد و بر سفرنامه‌نویسی نیز تأثیر گذاشت. از ابتدای عهد قاجار، بیگانگان به تدریج ابعاد گوناگون خلیج فارس را مطالعه و بررسی کردند. هر چند که سایر دولت‌های خارجی از این موقعیت استفاده کردند، اما انگلیسی‌ها با ارائه این اطلاعات از سوی مأموران خود و با توجه به برتری در نیروی دریایی، نظامی و اقتصادی توانستند اواخر قرن نوزدهم میلادی حاکم مطلق خلیج فارس باشند. پس از آن نیز، از مأمورانی تواناتر برای حفظ موقعیت استفاده شد؛ چنانچه کرزن و سایکس، علاوه بر روند شناسایی، بر حفظ موقعیت انگلیس در خلیج فارس تأکید می‌کردند. سایکس به نقش متفاوت خود اشاره کرده است: «هیچ اروپایی بهتر و بیشتر از من به سفر در نواحی جنوبی و شرقی ایران موفق نشده است» (سایکس، ۱۳۶۳: شانزده) و سبب آن را تفاوت مأموریت و موقعیت خود دانسته است. بنابراین، سفرنامه‌های این دوره به ویژه سفرنامه‌های انگلیسی نه تنها در رویکرد نسبت به موضوع خلیج فارس و گستردگی اطلاعات در این باب، متفاوت‌تر از قبل شدند، بلکه بعد سیاسی- استعماری در آنها جلوه آشکارتری یافت.

علل بی‌توجهی و کم‌توجهی سفرنامه‌ها به خلیج فارس: نکته قابل تأمل اینکه برخی از این گونه منابع

اصلاً به موضوع خلیج فارس نپرداخته‌اند. شماری نیز به شکل گذرا به این منطقه اشاره کرده‌اند. بنا بر شاخص‌های آماری، از ۴۷ سفرنامه بررسی شده، شامل کشورهای انگلیس، فرانسه، روسیه، آلمان، آمریکا و مجارستان، تنها ۱۳ سفرنامه (جدول ۵)، به خلیج فارس و مسائل مربوط به آن توجه کرده‌اند. دلایل این بی‌توجهی را در دو زمینه بررسی می‌کنیم. نخستین دلیل به حضور و نفوذ پر دامنه انگلیسی‌ها در خلیج فارس مربوط می‌شود. انگلیسی‌ها با اتکاء بر نیروی دریایی مقتدر خود و با در پیش گرفتن سیاست‌های

زورگویانه، راه را بر سایر رقبا بسته بودند. به همین سبب، کوشش کشورهای دیگر، عملاً با برنامه‌های آشکار و پنهان انگلیسی‌ها با شکست مواجه می‌شد؛ گویی انگلستان میراث‌دار اصلی خلیج فارس است. بازتاب این مدعا را در سخنان کرزن و سایکس می‌توان دید که با صراحت اعلام کردند اجازه حضور در خلیج فارس را به دیگر دولت‌ها نخواهند داد و بی‌توجهی به این تهدید، به منزله اعلام جنگ به انگلیس خواهد بود. حضور سابقه‌دار انگلیس در خلیج فارس و قدرت روزافزون این دولت در جهان و منطقه سبب شد تا حضور سایر دولت‌های خارجی در منطقه نیز محدود باشد و حتی اجازه سیاست‌گذاری در خلیج فارس نیز از آنها گرفته شود. دلیل دوم به "تفاوت مأموریتی" مربوط می‌شد؛ در واقع، بی‌توجهی نویسندگان بدان معنا نیست که مؤلفان این سفرنامه‌ها با خلیج فارس آشنایی نداشتند یا به این منطقه و منافع آن بی‌علاقه بودند. برعکس، آنان در عین اینکه با خلیج فارس و اهمیت آن آشنا و در دستیابی به منافع آن حریص بودند، به سبب مأموریت در سایر نقاط ایران، سیاست‌های استعماری خود را دنبال می‌کردند. برای مثال، روسیه که به عنوان یکی از رقبای اصلی در پی تسلط بر هند و خلیج فارس بود، در سرتاسر دوران قاجار برای حصول این مقصود تا حدّ ممکن کوشید و به همین سبب، سفرنامه‌های روسی با موضوع خلیج فارس، پس از انگلیس و فرانسه به لحاظ تعداد در جایگاه سوم قرار دارند. با این وصف، به نظر می‌رسد که تمرکز اصلی آنها در طول این مدت به منطقه شمال ایران و اهداف نظامی معطوف بوده است. چنانکه در کتاب "روسیه و ایران در بازی بزرگ"، سفرنامه‌ها و شوق‌گرایی به توجه، تمرکز، حضور و گزارش‌های مأموران نظامی و غیرنظامی روسیه برای شناسایی مسیرهای موجود میان ساحل دریای خزر تا تهران و جاده‌های آذربایجان اشاره شده است (آندری یوا، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۳). بدیهی است که سفرنامه‌های روسی اولویت شناسایی را به موضوعات دریای مازندران داده‌اند. به همین سبب، کم‌توجهی برخی از نوشته‌های روسی به خلیج فارس را بر همین مبنا می‌توان ارزیابی کرد. ملکونوف، فیودور کورف، سولتیکف و یفیکیان از جمله روسی‌تبارانی هستند که در سفرنامه‌های خود به مناطق شمالی ایران پرداخته‌اند (جدول ۵). فرانسویان نیز که بیشترین سفرنامه‌های مربوط به خلیج فارس را پس از دولت انگلیس دارند (جدول ۴) و در دوره‌هایی از قاجاریه رقیب انگلیس‌ها بوده‌اند، در ادواری ترجیح داده‌اند در باره خلیج فارس چیزی ننویسند (جدول ۵). سبب را می‌توان در دو علت اخیر ذکر شده و تغییر الگوی سیاسی دولت فرانسه در قبال انگلیس یعنی سیاست دوستی با انگلستان به جای سیاست دشمنی و رقابت در دوران ناپلئون سوم جست‌وجو کرد. فووریه که بعد از تغییر جهت سیاست فرانسه نسبت به انگلیس به ایران آمد، در سفرنامه خود تنها از محدوده روسیه و عراق عجم سخن رانده است (فووریه، ۱۳۵۱: ۱۲۰). شوپفر نیز در همان دوران، در مسافرت یک ساله به ایران، در مناطق شمال ایران - مرکز تا اصفهان و بختیاری در حرکت بوده و تنها به توصیف و بررسی مناظر، نحوه زندگی، رفتار و روحیات ایران و ایرانی پرداخته است (شوپفر، ۱۳۶۸: ۶ و ۵). دوسرسی قبل از این ادوار یعنی عهد محمد شاه به ایران سفر کرد و در سفرنامه خود به مناطق شمالی ایران تا بندر تولون پرداخت. مأموریت او،

جلوگیری از اعمال حاکمیت ایران بر شهر هرات و اقدامات محمد شاه به منظور جلب کمک فرانسه در برابر فشارهای انگلیس بود.

رتبه اول در «بیشترین سفرنامه‌هایی که به خلیج فارس پرداخته‌اند» (جدول ۵) مانند «بیشترین سفرنامه‌های مربوط به خلیج فارس» (جدول ۴، نمودار ۲) از آن انگلیس است. دولت انگلیس علاوه بر خلیج فارس، به دیگر مناطق ایران یعنی مرکز، شمال و غرب هم توجه داشت و به این نواحی نیز مأمور می‌فرستاد. این امر، شمار مأموران انگلیس را در این نقاط افزایش می‌داد و به سبب حضور آنان در این مناطق و اولویت آنها برای شناخت این نواحی، خلیج فارس چندان در دستور فعالیت و شناسایی آنان قرار نگرفت. از جمله می‌توان به دنسترویل اشاره کرد که مأموریت او توسعه استعمار در قفقاز بود و از طریق کرمانشاه و قزوین به انزلی رفت و عازم باکو شد. در نتیجه، اصلاً به خلیج فارس پرداخت. توجه فریاد استارک و دکتر ویلز - که پانزده سال در نقاط مختلف ایران به بررسی و کاوش اشتغال داشت - معطوف به استان‌هایی غیر از جنوب ایران بود و به همین سبب، در سفرنامه‌های آنها نمی‌توان مطالب قابل توجهی در خصوص خلیج فارس یافت. در میان سفرنامه‌هایی که در دوران قاجار به خلیج فارس پرداخته‌اند، کمترین فراوانی مربوط به سفرنامه‌های آمریکایی و بعد آلمانی است (جدول ۴)، زیرا آمریکایی‌ها در این دوران هنوز در تجارت و سیاست ایران جایی نداشتند و آلمانی‌ها نیز تازه پا به میدان نهاده بودند. از سوی دیگر، آنها در برابر قدرت انگلیس در خلیج فارس یارای خودنمایی نداشتند. به همین سبب، در فراوانی سفرنامه‌ها در زمینه مذکور در رتبه‌های چهارم و پنجم جای می‌گیرند (نمودار ۲). در واقع، انگلیس، فرانسه و روسیه رقبای اصلی منطقه خلیج فارس بودند و فراوانی سفرنامه‌های آنها (جدول ۴، نمودار ۲) در باب خلیج فارس و مسائل مربوط به آن مؤید این نظر است. در میان سفرنامه‌هایی که به خلیج فارس پرداخته‌اند، برخی نیز با وجود اینکه حیطة مأموریتی آنها خلیج فارس نبوده است، بیش از «سفرنامه‌هایی که به خلیج فارس پرداخته‌اند و کمتر از سفرنامه‌هایی که به تفصیل از خلیج فارس سخن رانده‌اند» به این منطقه توجه کرده‌اند. در این سفرنامه‌ها ابتدا به ابعاد تجاری - اقتصادی و سپس اجتماعی - سیاسی خلیج فارس توجه شده است. سفرنامه‌های براون، موزر، گروته و کاساکوفسکی را می‌توان جزو این دسته قرار داد. این سفرنامه‌ها در ابعاد تجاری - اقتصادی به جاده‌ها و راه‌های ارتباطی (براون، ۱۳۸۱: ۴۵۳) تجارت در مناطق مختلف خلیج فارس (موزر، ۱۳۵۶: ۳۳۴) به صورت گذرا اشاره کرده‌اند. در زمینه مردمی هم به حضور اقوام ساکن بوشهر، خلیج فارس و اقلیت زردتشتی بندر عباس (براون، ۱۳۸۱: ۴۵۳) و خط تلگراف محمره [خرمشهر] به صورت کوتاه توجه شده است (گروته، ۱۳۶۹: ۲۷۴). کاساکوفسکی نیز در سه صفحه از سفرنامه ۲۵۴ صفحه‌ای خود به نفوذ انگلیسی‌ها و شیوخ اعراب بر بنادر و جزایر خلیج فارس پرداخته است (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵: ۹۹-۹۸). سبب را باید در تفاوت نوع مأموریت و هدف سفر جست‌وجو کرد، زیرا بیشتر هم در نواحی شمال و مرکز ایران مشغول تحقیق و تفحص بودند. بنابراین، در جهت تکمیل اطلاعات مربوط به مأموریت، به خلیج فارس نیز اشاره شده است.

طبقه‌بندی سفرنامه‌ها با رویکرد موضوعی نسبت به مسائل خلیج فارس: اولویت‌های موضوعی سفرنامه‌هایی که به شکل گسترده‌تر به خلیج فارس پرداخته‌اند، به ترتیب دولت‌هایی که بیشترین شمار آماری سفرنامه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، به این شرح است:

• **انگلیسی‌ها و اولویت سیاسی - نظامی:** مهم‌ترین کشور اروپایی در خلیج فارس در این دوره انگلستان است که به سبب حضور مستمر در خلیج فارس بیشترین سفرنامه‌ها را نیز داراست (جدول ۴). انگلیسی‌ها دکترین خاصی برای خلیج فارس داشتند: تعلق انحصاری، برتری حضور، سلطه و نفوذ بر هند و خلیج فارس فقط برای انگلیس، کوشش بی‌وقفه برای حفظ و تثبیت سلطه انگلیس و جلوگیری از نفوذ دیگر دولت‌های غربی در این مناطق، قطع ید دولت و مردم ایران از حق مسلم مالکیت بر منطقه خلیج فارس. بدیهی است که سفرنامه‌نویسان آنها نیز به این اصول پای‌بند بوده‌اند؛ چنانکه لرد کرزن بارها اشاره کرد: امنیت خلیج فارس فقط حاصل حضور انگلیسی‌هاست، اگر آنان در این منطقه نباشند، هرج و مرج سابق که با زحمت زیاد انگلیسی‌ها از بین رفته بود، دوباره باز خواهد گشت (کرزن، ۱۳۵۰: ۴۶۴/۲ و ۲۳۸). بنابراین، مأموران انگلیسی به خلیج فارس سفر و نقطه به نقطه آن را دقیق بررسی می‌کردند تا سیاست‌گذاری‌های متخصصان انگلیسی بر پایه واقعیت‌های موجود در خلیج فارس و نه تخیل صورت گیرد. به گواه همین سفرنامه‌ها، انگلیسی‌ها در سالیان متمادی در این منطقه یکه تاز و صاحب‌نفوذ بودند. بنا بر بررسی‌های انجام شده، اولویت‌ها در سفرنامه‌های انگلیسی برای کسب دکترین موردنظر، به ترتیب سیاسی - نظامی و بعد اقتصادی - اجتماعی بود. رویکرد سیاسی - نظامی به اشکال زیر در سفرنامه‌ها منعکس شده است:

۱. مقابله با دولت‌های اروپایی برای سلطه سیاسی - اقتصادی بر خلیج فارس و هند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۹۵؛ مالکوم، ۱۳۸۰: ۶۵۴/۲-۶۵۳)؛
۲. شناسایی راه‌های ارتباطی از لحاظ استراتژیکی و منابع ثروت طبیعی (اورسل، ۱۳۸۲: ۲۴۰)
۳. نفی شایستگی حضور دولت ایران و سایر دولت‌های اروپایی در منطقه (همان)
۴. تذکر مداوم به حضور قوی کشتی‌ها و ناوگان‌های نظامی انگلیس و نفوذ آنها در خلیج فارس (نوردن، ۲۵۳۶: ۱۳-۶)
۵. بررسی ابعاد جغرافیای طبیعی خلیج فارس چون طول و عرض جغرافیایی، نوع آب و هوا، وزش باد، چشم‌اندازهای طبیعی و مسافت‌ها (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۳۶-۳۷)

۶. توجه به تاریخ خلیج فارس؛ وقتی انگلیس توانست رقبا را از میدان خارج کند، طبیعی است که به منظور حفظ دستاوردها، به آگاهی از تاریخ خلیج فارس برای شناخت هر چه بیشتر آنجا نیاز داشت. بنابراین، لرد کرزن به شکل گسترده‌ای از عهد باستانی منطقه نوشت (کرزن، ۱۳۵۰: ۳۱۵/۲-۳۱۲ و ۱۱۹-۱۱۳) و سایکس نیز ضمن تأیید نوشته‌های کرزن به تکمیل آنها اهتمام کرد. روند شناخت تاریخی خلیج فارس تا پایان قاجار ادامه یافت؛ شناختی که برقراری امنیت در خلیج فارس را با حضور ناوگان‌های جنگی انگلیس به شکل منسجم و دقیق‌تر، جهت حفظ منافع در خلیج فارس- هند و تحت‌الحمایه باقی ماندن آنها ضروری‌تر کرد.

۷. مأموریت‌های مخفیانه و مستمر سیاسی- نظامی انگلیسی‌ها در خلیج فارس با هدف بیان میزان نفوذ و حق مالکیت انگلیس در منطقه، مانند مأموریت‌های ویلسن و لایارد (ویلسن، ۱۳۶۳: ۱۴۰-۹۹ و ۹۹-۳۹؛ لایارد، ۱۳۶۷: ۱۴۷- ۱۴۶).

۸. دیدارهای مستمر مقامات عالی‌رتبه انگلیسی در خلیج فارس و کوشش برای پایداری تحت‌الحمایگی شیوخ منطقه که اوج آن در نوامبر ۱۹۰۳م. رخ داد (هاردینگ، ۱۳۷۰: ۲۲۸-۲۲۶)؛

۹. استفاده از نابسامانی‌های اجتماعی موجود در سرزمین‌های اطراف خلیج فارس با هدف حمایت از حضور و سیاست‌های مداخله‌جویانه انگلیس در منطقه، مانند بی‌کفایت جلوه دادن دولت ایران در امر برده‌داری خلیج فارس و شایستگی انگلیس در پایان دادن به این امر غیرانسانی در خلیج فارس (شیل، ۱۳۶۲: ۲۱۵ و ۲۱۲).

۱۰. تغییر مسلک سیاسی از سال ۱۸۸۹م. برای تثبیت موقعیت در منطقه با فرستادن افراد ماهرتر چون کرزن، سایکس، هاردینگ و ویلسن به منطقه. لرد کرزن برای دستیابی به مقاصد سیاسی- نظامی دولت خویش در نطق سال ۱۹۰۳م. اعلام کرد: خلیج فارس عملاً متعلق به انگلستان است و رسالت تاریخی انگلیسی‌ها، استقرار صلح در خلیج فارس است! او از واژه "خلیج" استفاده و تأکید کرد که انگلیسی‌ها خلیج فارس را "خلیج فارس" کرده‌اند! (کرزن، ۱۳۷۰: ۱۵-۱۴؛ همان، ۱۳۶۲: ۳۲ / ۱). در پایان به دولت انگلیس یادآور شد که برای تأمین نظارت انگلستان بر آب‌های خلیج فارس، مقابله با هر گونه مداخله خصمانه خارجی و تحقق امنیت منطقه در آینده، در پیش گرفتن "سیاستی مطلوب" ضروری است (کرزن، ۱۳۵۰: ۵۵۴ / ۲). حضور سایکس نتیجه این اندرز کرزن بود و سایکس اطلاعات شناسایی خلیج فارس را تکمیل کرد (سایکس، ۱۳۶۳: ۷۴۰ و ۷۳۷). او برای تحقق اهداف در خلیج فارس و هند به کشورش "سیاست مسالمت‌آمیز" را پیشنهاد و تأکید کرد این سیاست تا جایی که به منافع انگلیس لطمه وارد نکند، قابل استفاده است (سایکس، ۱۳۶۳: ۴۴۷-۴۴۶ و ۴۴۱- ۴۴۰).

دومین مسأله در سفرنامه‌های انگلیسی "اقتصاد" است که می‌توان آن را در این موارد دسته‌بندی کرد:

۱. شناسایی راه‌های تجاری خلیج فارس، توصیف و بررسی بنادر، تولیدات و کالاهای تجاری مانند واردات چای و قهوه (بیت، ۱۳۶۵: ۴۴۶) یا صدور غله و حبوبات و پنبه (بابن و هوسه، ۱۳۶۳: ۱۵۱ و ۱۱۹).

۲. بهره‌کشی اقتصادی از خلیج فارس که بعد از کشف نفت بسیار بالا گرفت. رقابت نفتی سبب تشدید رقابت‌ها و درگیری‌ها میان دولت‌های خارجی شد (نوردن، ۲۵۳۶: ۱۳).

۳. جنگ سخت‌افزاری برای منافع اقتصادی، همچون تفاهم دو جانبه انگلیس با وهابی‌های راهزن، در آب‌های خلیج فارس تا زمانی که به بازرگانی انگلیس خدشه‌ای وارد نیامد، برقرار بود، اما مادامی که احساس خطر شد، کمپانی هند شرقی علیه وهابی‌ها به جنگ برخاست (جونز، ۱۳۸۶: ۲۵۹).

مسائل اجتماعی نیز آخرین اولویت آنها بود؛ مواردی چون توصیف ویژگی‌ها و امراض ساکنان (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۳۶-۳۷)، مسائل مربوط به تبار، شغل، تغذیه، تفریحات، بهداشت، مصالح ساختمان‌ها (بابن و هوسه، ۱۳۶۳: ۱۴۶)، جمعیت، اداره امور، اغتشاشات داخلی و مسأله قاچاق بین اهالی (کرزن، ۱۳۵۰: ۲/ ۳۱۹-۳۱۸). توجه به این امور نیز برای شناساندن هر چه بیشتر این منطقه و راهی برای دستیابی به اهداف استعماری انگلیس بود. به همین سبب نوردن که پس از کرزن و سایکس بیشترین مطالب در باره خلیج فارس از اوست، بیش از دیگران، به بُعد اجتماعی خلیج فارس به ویژه آداب و رسوم مردم پرداخته است (نوردن، ۲۵۳۶: ۶۰-۵۵ و ۳۳، ۲۵، ۲۲-۲۱).

• **فرانسویان و تغییر الگوها:** رویکرد سفرنامه‌های فرانسوی نسبت به خلیج فارس، با نوع سیاست جهانی آنها در قبال دولت‌های اروپایی تطابق دارد. به همین سبب، اولویت‌بندی سفرنامه‌های فرانسوی در ادوار مختلف قاجار به طور چشمگیری متفاوت است: وقتی سیاست فرانسه بر پایه دشمنی با دولت‌های اروپایی به ویژه انگلیس قرار داشت، یعنی عهد ناپلئون اول، خلیج فارس ابتدا از جنبه سیاسی- نظامی مورد توجه بود. فرستادگان فرانسه مانند اولیویه، ژوبر، گاردان و دروویل در سفرنامه‌های خود در پی شناخت و بررسی منطقه خلیج فارس و ارسال اطلاعات آن به دولت متبوع خود برای سلطه بر خلیج فارس و هند بودند. در این دوران اهداف نظامی فرانسه نسبت به خلیج فارس، با بیان کمبود نیروی بحری- نظامی و عدم سلطه دولت ایران بر جزایر خلیج فارس در برابر سلطه و زورگویی‌های انگلیسی‌ها، وهابی‌ها و اعراب (ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۱۸ و ۱۹۰) خود را نشان داده است و از سوی دیگر، بر هزینه‌های بالای ایجاد نیروی دریایی در خلیج فارس برای دولت ایران (اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۰) تأکید شده است. تأکید بر آب و هوای گرم و خشک و خفه کننده منطقه، ارائه نقشه از فواصل و بررسی راه‌های ارتباطی آن نیز در جهت اهداف نظامی فرانسه صورت گرفته است (دروویل، ۱۳۳۷: ۱۸؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۱۸ و ۱۹۰). مأموریت‌های سفرای ناپلئون در خلیج فارس در این دوران جنبه نظامی داشت. ژوبر اولین سفیر فرانسه در ۱۸۰۵م. برای لشکرکشی به هند از طریق خلیج فارس بود و گاردان برای طرح جزئیات نقشه اردوکشی بحری از خلیج فارس به هند، به ایران آمد (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۴۲ و ۱۳۶).

وقتی ناپلئون سوم سیاست دولت فرانسه را بر پشتیبانی از دولت انگلیس قرار داد، اولویت نظامی در سفرنامه‌های فرانسوی به سیاست حمایتی از انگلیس در خلیج فارس و پس از آن توجه به مسائل تجاری،

اجتماعی و جغرافیایی تغییر کرد. این نوع سیاست که می‌توان نام "سازش" بر آن نهاد، در سفرنامه‌های مادام دیولافوا، کنت دو گوبینو و پیر لوتی به خوبی دیده می‌شود. مادام دیولافوا به تمجید حضور و اقامت نمایندگان ملکه انگلستان در بنادر بوشهر و محمره [خرمشهر] پرداخته است (دیولافوا، ۱۳۷۸: ۶۰۰ و ۵۵۹). دوگوبینو سلطه اقتصادی و نظامی انگلیس را بر سواحل ایران نعمت و خدمتی بزرگ برای ایرانیان خوانده و تصویری از ناوگان قوه بحری انگلیس و حضور مقتدرانه آن را در برابر نیروی دریایی مختصر ایران به دست می‌دهد (۱۳۶۷: ۱۲۰-۱۱۹ و ۱۱۶، ۱۱۳). فرانسویان در سفرنامه‌های خود پس از فراغت از وصف حضور، نفوذ و اقتدار انگلیس در خلیج فارس و حمایت از آن، به توصیف مسیر سفر در شهرهای جنوبی ایران (همان: ۱۳۶ و ۱۲۱، ۱۲)، آب و هوای خلیج فارس (لوتی، ۱۳۷۲: ۸۵ و ۲۷، ۲۵)، فقدان بهداشت در خلیج فارس (دیولافوا، ۱۳۷۸: ۹۹ و ۹۵-۹۴)، ویرانی بنادر و جزایر خلیج [فارس] و مسائل مربوطه به ساکنان آن پرداخته‌اند (لوتی، ۱۳۷۲: ۶۵)، در این دوره "سیاست حمایتی" بدون "بازوی نظامی" در سفرنامه‌های فرانسه آشکار است. بعد از اهداف نظامی، اهداف تجاری در سفرنامه‌های فرانسویان موضوع بعدی است. پس از هیئت‌های نظامی و انعقاد معاهده نظامی، طبق قرارداد تجاری ایران و فرانسه، جزیره خارک به فرانسه سپرده شد (همان: ۹۱-۹۰). اولیویه بیش از دیگران، بعد تجاری خلیج فارس را بررسی کرده و به گلایه از دولت حاضر ایران و مقایسه آن با دولت مقتدر صفوی پرداخته است. به نظر اولیویه در دوران قاجار، بی‌کفایتی دولت و دربار ایران سبب اقتدار بیش از اندازه انگلیسی‌ها در خلیج فارس شد، به گونه‌ای که فرانسویان را از تجارت در منطقه محروم کرده‌اند و گویا باید با تجارت در خلیج فارس خداحافظی کنند (۱۳۷۱: ۱۷۹-۷۶)، با این همه، به بررسی محصولات خاص خلیج فارس (همان: ۱۲۱-۱۲۰؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۱۳۰)، بنادر تجاری به ویژه جزیره هرمز و روابط تجاری دولت‌های عثمانی، هند و روسیه با خلیج فارس پرداخته است (همان، ۱۸۱-۱۸۰ و ۱۷۰، ۱۴۹، ۱۲۱-۱۲۰). سفرنامه‌های فرانسوی در گام سوم به مسائل تاریخی و اجتماعی نظیر تاریخ مناطق خلیج فارس و نژاد برخی قبایل آن به شکل کوتاه و گذرا، با هدف شناخت و بررسی منطقه خلیج فارس و ارسال اطلاعات آن به دولت خود پرداخته‌اند.

• **روس‌ها و یافتن راه‌های فشار بر انگلیسی‌ها:** سفرنامه‌های روسی قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی مجموعه گسترده‌ای از اطلاعات در باب زندگی مردم، جغرافیای کشور ایران و نقشه‌برداری از آن را در بردارند. در این دوره بیش از ۱۲۰ نویسنده روس بالغ بر ۲۰۰ سفرنامه در باره ایران به شکل مقاله در مجلات، روزنامه‌ها، گاهنامه‌های تخصصی- علمی و دولتی- نظامی و یا به عنوان کتاب مستقل منتشر کردند (آندری یوا، ۱۳۸۸: ۳۷ و ۳۵). برخی مانند گریبایدوف به صورت نامه، اما برخی دیگر مانند چریکف، مشاهدات خود را تحت عنوان "دفتر روزنامه خاطرات" ثبت کردند و گاه گزارش خود را همچون بخشی از اثر بزرگ‌تر به طبع رساندند (همان: ۳۸). گزارش‌ها در باب اخلاق و عادات ایرانی‌ها، توصیف مناظر و مناطق جالب و روایت داستان‌هایی که نویسنده شاهد آنها بوده است. گروه دوم با شمار بیشتر، شامل مقاله‌ها و

گزارش‌هایی در باب جغرافیا، نقشه‌برداری، امور نظامی، اقتصادی و تجاری است که نویسندگان آنها در قالب مأموریت به ایران سفر کردند. گروه سوم، شامل درصد بالایی از سفرنامه‌ها، شرح مأموریت‌های نویسندگان است، با جزئیات و توصیفات و برخی اوقات تنها بیان تجربیات خود نویسنده است. در این نوع، همواره به موضوع‌های گسترده‌ای در باب تمام جنبه‌های زندگی ایران پرداخته شده است. سفرنامه‌نویسان روسی، افسران نظامی، دیپلمات‌ها، افراد غیرنظامی، کارشناس شرق‌شناسی و دانشمندان علوم طبیعی بودند (همان: ۳۹-۴۰).

در باب خلیج فارس، خاورشناسان روس بیشتر به مسائل نظامی و استراتژیکی این منطقه توجه داشته‌اند، سبب آن هم جمع‌آوری اطلاعات برای استفاده در مراکز نظامی روسیه بود. رقابت با انگلیسی‌ها و کوشش برای سلطه و نفوذ بر خلیج فارس و هند مهم‌ترین محرک گردآوری‌ها بوده است. این تحقیقات در باب مرزها، شهرها، موقعیت استراتژیکی، قشون و تجهیزات آنها صورت می‌گرفت و مسیو چریکف در این امر یدی توانا داشت (ر.ک.: چریکف، ۱۳۷۹: ۱۳۷ و ۱۳۹، ۱۳۴، ۴۷، ۲۸). دیمیتری بلیایف دیپلمات غیرنظامی روسیه در ایران، در باب افزایش نفوذ روسیه در مناطق جنوبی ایران از کوشش‌های کاپیتان تومیلوف یاد کرده و نوشته است: در مدت سه سالی که از مسافرت کاپیتان تومیلوف در سال ۱۹۰۰ م. به ایران می‌گذرد، اوضاع سیاسی مناطق جنوبی ایران سخت تغییر کرده و زمینه‌های فعالیت روسیه در این مناطق مناسب شده است. در همین زمان کوتاه ما توانستیم افسانه سلطه سنتی بریتانیایی‌ها بر این مناطق را که در ذهن اهالی خلیج فارس شکل گرفته بود، از میان ببریم (آندری یوا، ۱۳۸۸: ۶۴). گزارش از فعالیت‌های انگلیسی‌ها در خلیج فارس هم بنا بر اهداف سیاسی- نظامی روسیه صورت می‌گرفت (دوکوتزبوئه، ۱۳۴۸: ۱۳۱). برای روس‌ها جنبه تجاری- اقتصادی خلیج فارس در درجه دوم اهمیت قرار داشت و در سفرنامه برخی از آنها در باب مسائلی مانند بررسی تجارت در بنادر بوشهر و تجارت مروارید در بندرعباس (موزر، ۱۳۵۶: ۳۳۴) نیز مطالبی آمده است.

• **آلمان در رقابت با رقیبان:** خلیج فارس و جزایر جنوبی ایران از جهت رقابت و ضربه زدن به منافع انگلیسی‌ها و سایر رقبا در ایران، برای آلمانی‌ها مهم بود. آلمانی‌ها از سلطه سیاسی و تجاری انگلیس و روسیه بر خلیج فارس ناراضی بودند و به همین خاطر، با هدف محدود کردن نفوذ و سلطه انگلیس و دیگر کشورها، مقاصد منفعت‌طلبانه سلطه بر هند و ایران را در نظر داشتند. در همین زمینه، اولویت آلمانی‌ها در خلیج فارس، سیاسی- نظامی بود. آنها موقعیت جغرافیایی، مسیرهای ارتباطی، منابع نفتی خلیج فارس، فعالیت‌ها و منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس را به ویژه در امور ترانزیتی به تفصیل ارزیابی می‌کردند. در همین ارزیابی‌ها بود که برای شناخت بیشتر جنبه تاریخی خلیج فارس به ویژه حضور و سیاست‌های انگلیسی‌ها در ادوار گذشته در منطقه، به جمع‌آوری اطلاعات پرداختند (بلوشر، ۱۳۶۳: ۲۸۴-۲۸۳). آلمانی‌ها به این نتیجه رسیده بودند که «در حال حاضر اگر یک آلمانی در خلیج فارس سینه صاف کند سراسر لندن

از آن مطلع می‌شود!» (همان: ۲۸۷-۲۸۵). بدیهی است که نقشه‌های نظامی، برای تحقق سلطه سیاسی، مهم‌ترین اولویت آلمانی‌ها بود. حمله به لوله‌های نفتی شرکت نفت و اغتشاشات واسموس در بوشهر، از جمله نقشه‌های عملی - نظامی آلمان‌ها در خلیج فارس بودند. بعد از این امور، در درجه سوم، تجارت و اقتصاد در سفرنامه‌های آلمانی به ویژه در مسائل نفتی مهم و مطرح است (نیدر مایر، ۱۳۸۰: ۴۵).

• **آمریکایی‌ها در کسوت تجار:** آمریکا در این دوران توجه چندانی بر نمی‌انگیخت، زیرا از یک طرف هنوز در جهان و ایران شناخته شده نبود و از طرف دیگر با وجود قرارداد دوستی - تجاری با دولت ایران (دسامبر ۱۸۵۶ م.) انگلیسی‌ها امور آمریکایی‌های مقیم ایران را برعهده گرفتند. به همین جهت، در این پژوهش، کمترین فراوانی سفرنامه، از آن آمریکاست. در سفرنامه‌های آنها جنبه تجاری بنادر خلیج فارس و شهرهای جنوبی ایران و محصولات تجارتي و موقعیت بنادر ارزیابی شده است (بنجامین، ۱۳۶۳: ۵۳۶ و ۴۹۰، ۴۸۸، ۴۷۲، ۱۰۶). در بُعد سیاسی نیز، به نفوذ انگلیس بر سواحل خلیج فارس و شهر اصفهان که تمام راه‌های خلیج فارس (متصل به تهران) از آن می‌گذرد، اشاره کرده‌اند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۷۱). بنابراین، جنبه سیاسی - تجاری در سفرنامه‌های آمریکا اولویت دارد.

نتیجه

نتیجه یافته‌های به دست آمده از ۴۷ سفرنامه خارجی که نویسندگان آنها در دوره قاجاریه به ایران سفر کردند و در حال حاضر سفرنامه‌های آنها به فارسی ترجمه شده است، حکایت از آن دارد که رویکرد سفرنامه‌نویسان این سفرنامه‌ها نسبت به خلیج فارس در بیشتر موارد برگرفته از سیاست‌ها و اهداف دولت‌های متبوع آنها بود. در میان سفرنامه‌های بررسی شده، سفرنامه‌نویسان انگلیسی بیش از دیگر کشورها به خلیج فارس و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند و این موضوع، نشان از اهمیت این منطقه برای دولت انگلیس و برتری فکری، مالی و نفوذ این دولت در خلیج فارس نسبت به دیگران بوده است. پس از انگلستان بیشترین توجه به خلیج فارس، از آن دولت فرانسه بود. روسیه در جایگاه بعدی قرار دارد و طبق بخش آماری در هر دو نوع سفرنامه‌ها، روسیه را می‌توان رقیب اصلی دولت انگلیس برشمرد، زیرا کنسولگری و کشتی‌های خود را، هم در خلیج فارس و هم در سایر نقاط ایران پراکنده کرده بود تا به هر شکل ممکن منافع خود را از خلیج فارس به دست آورد؛ چندان که انگلیس جهت مقابله با این رقیب سرسخت، مجبور شد با فرانسه دست دوستی دهد و سبب تغییر سیاست فرانسه نسبت به خلیج فارس گردد.

رویکرد انگلیسی‌ها به خلیج فارس بنا بر سفرنامه‌های به جا مانده از آنها، احساس تعلق انحصاری مالکیت خلیج فارس، حفظ و تثبیت حضور در این منطقه و جلوگیری از نفوذ رقبای، حتی مالک اصلی خلیج فارس یعنی دولت ایران بوده است. برای القاء این دکترین به جهانیان، اولویت انگلیس در خلیج فارس، مسائل سیاسی - نظامی به اشکال مختلف بود و سپس به امور اقتصادی و اجتماعی توجه نشان می‌دادند. فرانسویان نیز ابتدا در رقابت و دشمنی با دولت انگلیس در خلیج فارس، رویکرد سیاسی - نظامی اتخاذ کردند و بعد به

امور اقتصادی و تاریخی - اجتماعی بها دادند. اما، بعد از انعقاد قرارداد دوستی دولت فرانسه با دولت انگلیس، به سیاست حمایتی از این دولت و کسب منافع از این راه پرداختند. روس‌ها و آلمانی‌ها نیز در جهت دشمنی و رقابت با رقبای به بُعد نظامی و استراتژیکی خلیج فارس اهمیت می‌دادند. تنها دولت آمریکا بود که جنبه اقتصادی و تجاری را نیز در این دوران در نظر داشت. بنابراین، در وهله اول بُعد سیاسی - نظامی و در وهله دوم، بُعد اقتصادی، مهم‌ترین اولویت‌های ۴۷ سفرنامه بررسی شده در این پژوهش نسبت به خلیج فارس بوده‌اند؛ اولویت‌هایی که به سبب رقابت‌جویی و دشمنی شکل گرفته‌اند.

در برخی مواقع نیز علی‌رغم اهمیت خلیج فارس برای دولت‌ها، برخی از نویسندگان سفرنامه‌ها به آن توجه نکرده‌اند؛ سبب را می‌توان در تفاوت نوع مأموریت و اهداف سفرنامه‌نویسان پی‌گیری کرد: حضور پررنگ و همه‌جانبه دولت انگلیس و سفرای آنها در خلیج فارس، ورود مأموران دولت‌های بیگانه به نقاط دیگر ایران با هدف منفعت‌جویی برای دولت خود، جست‌وجوی راهی برای نفوذ در خلیج فارس و ضربه زدن به منافع دولت انگلیس و به دست آوردن امتیازات موجود در خلیج فارس و هندوستان به نفع خود که دولت‌های روسیه، آلمان و آمریکا مصادیق بارز آن بودند، تغییر جهت عقربه سیاست‌های جاری نسبت به رقیب و دشمن اصلی یعنی انگلیس که مصداق بارز آن دولت فرانسه بود و حضور رقبای جدید، بی‌تجربه و ضعیف در زمینه استعمارطلبی و منفعت‌جویی چون آلمان و آمریکا در برابر سابقه‌داران این عرصه سبب شده است تا در میان این ۴۷ سفرنامه، تقریباً یک چهارم آنها در عهد قاجاریه به خلیج فارس توجه نکنند. در میان این شمار، برخی نویسندگان انگلیسی سفرنامه‌ها هم هستند که به منطقه خلیج فارس پرداخته‌اند، زیرا دولت انگلیس در جهت خنثی‌سازی نقشه‌های سایر دولت‌ها از جمله روسیه و بعد فرانسه در خلیج فارس - هند، در سایر مناطق ایران نیز اهداف استعماری - استثماری داشت.

منابع و مأخذ

- اسپاروی، ویلفرید، ۱۳۶۹، *فرزندان درباری ایران*، ترجمه: محمد حسین آریا، تهران: قلم.
- استارک، فریا، ۱۳۶۴، *سفرنامه الموت، لرستان و ایلام*، تهران: علمی.
- اسدی، بیژن، ۱۳۸۵، *خلیج فارس و مسائل آن*، چ دوم، تهران: سمت.
- اسکرین، کلارمونت، ۱۳۶۳، *خاطرات کلارمونت اسکرین*، ترجمه: غلامحسین صالحیار، تهران: سلسله.
- اورسل، ارنست، ۱۳۸۲، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اولیویه، آدام، ۱۳۷۱، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه: محمدطاهر میرزا، غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- آندری یوا، النا، ۱۳۸۸، *روسیه و ایران در بازی بزرگ (سفرنامه‌ها و شرق‌گرایی)*، ترجمه: الهه کولائی، محمد کاظم شجاعی، تهران: دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات.
- بابن و هوسه، سو و فردریک، ۱۳۶۳، *سفرنامه جنوب ایران*، ترجمه: محمدحسن اعتمادالسلطنه، به تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: دنیای کتاب.
- بارنز، آکس، ۱۳۶۶، *سفرنامه بارنز*، ترجمه: حسن سلطانی فر، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- براون، ادوارد، ۱۳۸۱، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه: مانی صالحی: تهران، ماهریز.
- بلوشر، ویپرت، ۱۳۶۳، *سفرنامه بلوشر*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- بنجامین، س.ج.د، ۱۳۶۳، *ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه*، ترجمه: محمدحسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- پولاک، یاکوب ادوارد، ۱۳۶۱، *ایران و ایرانیان*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- جونز، هارفورد، ۱۳۸۶، *خاطرات سر هارفورد جونز*، ترجمه: مانی صالحی، تهران: ثالث.
- چریکف، مسیو، ۱۳۷۹، *سیاحتنامه مسیو چریکف*، ترجمه: آبکار مسیحی، به کوشش: علی اصغر عمران، تهران: امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار، ۱۳۳۷، *سفرنامه دروویل گاسپار*، ترجمه: جواد محیی، تهران: گوتنبرگ.
- دنسترویل، لیونل چالز، ۱۳۶۲، *خاطرات ژنرال دنسترویل سرکوبگر جنگل*، ترجمه: حسین انصاری و علی دهباشی، بی‌جا: فرزانه.
- دوسرسی، رولان، ۱۳۶۲، *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰*، ترجمه: احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دوکوتزبوئه، موریس، ۱۳۴۸، *مسافرت به ایران*، ترجمه: محمود هدایت، تهران: امیرکبیر.
- دوگوبینو، ژوزف، ۱۳۶۷، *سه سال در آسیا*، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتابسرا.
- دیولافوا، ژان، ۱۳۷۸، *سفرنامه مادام دیولافوا*، ترجمه: فرهوشی، تهران: قصه‌پرداز.
- راولینسون، هنری، ۲۶۳۶، *سفرنامه هنری راولینسون*، ترجمه: اسکندر امان‌الهی، لرستان: امیرکبیر خرم‌آباد.

ژوبر، ا. پ. امد، ۱۳۴۷، *مسافرت در ارمنستان و ایران*، ترجمه: علیقلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

سایکس، مولس ورث، ۱۳۶۳، *تاریخ ایران*، ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، تهران: دنیای کتاب. _____، ۱۳۶۳، *سفرنامه سرپرسی سایکس*، ترجمه: حسین سعادت نوری، تهران: لوحه چاپخانه آلمان.

سولتیکف، الکسیس، ۱۳۶۵، *مسافرت به ایران*، چاپ دوم، ترجمه: محسن صبا، تهران: علمی و فرهنگی. شوپفر، ژان (کلودانه)، ۱۳۶۸، *اوراق ایرانی*، ترجمه: ایرج پروشانی، تهران: چاپخانه سپهر. شیل، لیدی، ۱۳۶۲، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه: حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو. فرانکلین، ویلیام، ۱۳۵۸، *مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال‌های ۱۷۸۷ و ۱۷۸۶ م*، ترجمه: محسن جاویدان، تهران: بنیاد فرهنگ و هنر ایران.

فریزر، جیمز بیلی، ۱۳۶۴، *سفرنامه فریزر*، ترجمه: منوچهر امیری، توس، تهران: توس. فووریه، ژوزف، ۱۳۵۱، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه: عباس اقبال، تهران: شرکت چاپ و انتشارات کتب ایران.

فیودورکوف، بارون، ۱۳۷۲، *سفرنامه بارون فیودورکوف*، ترجمه: اسکندر ذبیحیان، تهران: فکر روز. کاساکوفسکی، و. آ. ۲۵۳۵، *خاطرات کاساکوفسکی*، ترجمه: عباسقلی جلی، تهران: کتاب‌های سیمرغ. کرزن، جرج. ناتاناییل، ۱۳۶۲، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه: ع. وحید مازندرانی، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

_____، ۱۳۵۰، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه: وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.

_____، ۱۳۷۰، *لرد کرزن در خلیج فارس بر پایه اسناد وزارت امور خارجه*، تهران: واحد نشر اسناد.

گاردان، آلفرد، ۱۳۶۲، *خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه: عباس اقبال، تهران: نگاه. گروه، هوگو، ۱۳۶۹، *سفرنامه گروه*، ترجمه: مجید جلیل‌وند، تهران: نشر مرکز. لایارد، اوتسن هنری، ۱۳۶۷، *سفرنامه لایارد*، ترجمه: مه‌راب امیدی، بی‌جا: وحید. لوتی، پیر، ۱۳۷۲، *به سوی اصفهان*، ترجمه: احمد کتابی، تهران: اقبال.

مالکوم، جان، ۱۳۸۰، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه: اسماعیل حیرت، به تصحیح: قمی‌نژاد، به کوشش: علی‌اصغر عبدالهی، دو جلد در یک مجلد، تهران: افسون.

ملگونوف، گریگوری والرینوویچ، ۱۳۷۶، *کرانه جنوبی دریای خزر*، ترجمه: امیرهوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.

موزر، هنری، ۱۳۵۶، *سفرنامه ترکستان و ایران*، ترجمه: علی مترجم، به کوشش: محمد گلبن، تهران: سحر.

نوردن، هرمان، ۲۵۳۶، *زیر آسمان ایران*، ترجمه: سیمین سمیعی، تهران: دانشگاه تهران.

نیدرمایر، اسکارفن، ۱۳۸۰، *خاطرات نیدر مایر*، ترجمه: کیکاووس جهانداری، ویرایش ۲، تهران: اساطیر.

وامبری، آرمینیوس، ۱۳۷۲، *زندگی و سفرهای وامبری*، دنباله سیاحت درویشی دروغین، ج ۲، ترجمه: محمد حسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.

_____، ۱۳۶۵، *سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه*، ترجمه: فتحعلی خواجه نوریان، ج ۱، چ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ویشارد، جان، ۱۳۶۳، *بیست سال در ایران*، ترجمه: علی پیرنیا، بی جا: نوین.

ویلز، چالز، ۱۳۸۸، *سفرنامه دکتر ویلز*، ترجمه: غلام حسین قراگوزلو، چ دوم، تهران: اقبال.

ویلسن، آرنولد، ۱۳۶۳، *سفرنامه ویلسن*، چاپ دوم، ترجمه: حسین سعادت نوری، تهران: وحید.

هاردینگ، آرتور، ۱۳۷۰، *خاطرات سر آرتور هاردینگ*، ترجمه: جواد شیخ الاسلامی، تهران: کیهان.

هالینگبری، ویلیام، ۱۳۶۳، *روزنامه سفر هیئت سر جان ملکم به دربار ایران*، ترجمه: امیر هوشنگ امینی، تهران: کتاب سرا.

ییت، ادوارد، ۱۳۶۵، *سفرنامه خراسان و سیستان*، ترجمه: قدرت الله روشنی، بی جا: یزدان.

یقیکیان، گریگور، ۱۳۸۶، *شورش و جنبش جنگ؛ یادداشت‌های یک شاهد عینی*، به کوشش: برزویه دهگان، تهران: اختران.